

علم أصول الفقه

٤٩

اوامر ١٩-١٠-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

امر به امر

• امر به امر

- امر به امر این است که مولا کسی را مأمور می‌کند که وی دیگری را به انجام کاری مأمور کند. مثل اینکه مولا به زید می‌گوید: «برو به عمر بگو فلان کار را انجام دهد.» در اینجا ما دو امر داریم: یک - امری که متوجه زید شده است و زید مأمور و «امر کردن» مأمور به آن است. دو - امری که متوجه بکر شده است و بکر مأمور و «فلان کار» مأمور به آن است. مولا به طور مستقیم امری به بکر ندارد و امر امر به وی، زید است.

امر به امر

- سؤال این است که:
- آیا چنین امری لزوم اتیان برای بکر ایجاد می کند؟
- در ایجاد لزوم برای زید بحثی نیست. بحث در بکر است که آیا او هم باید اتیان کند.
- فرض این است مأمور اول، مأمور به امر کردن به مأمور دوم است نه اینکه صرفاً ناقل امر مولا به وی باشد. بنابراین حتی در فرضی که مأمور دوم بداند که مأمور اول از ناحیه مولا مأمور شده است تا به وی امر کند، این بحث مطرح است.

امر به امر

- ۱. دیدگاه مرحوم نائینی
- برخی از اصولی‌ها مثل مرحوم نائینی - رضوان الله علیه - این مسأله را خیلی عمومی و کلی بحث کرده‌اند.
- فرموده‌اند
- امر به امر باعث وجوب مأمور به بر مأمور ثانی می‌شود؛ ظاهر امر به امر این است که مولا خواهان تحقق مأمور به ثانی است.

امر به امر

- مرحوم نائینی نه تنها حالات مختلف ثبوتی را از هم تفکیک نکرده است، بلکه بین بحث ثبوتی و اثباتی هم تفکیک نکرده است.
- این بحثی که الآن داریم می‌کنیم بحث ثبوتی است یعنی اغراض واقعی مولا را بررسی می‌کنیم.
- بحث اثباتی این است که ظاهر امر به امر کدام یک از این احتمالات ثبوتی را می‌رساند.

امر به امر

- ۲. دیدگاه مرحوم آخوند
- ایشان می‌فرمایند
- اگر غرض از امر به امر، اتیان مأمور به دوم باشد، در این صورت بر مأمور دوم این وظیفه واجب خواهد شد.
- ظاهر اوامری که متوجه انبیاء و رسل - علیهم السلام - شده است، همین است؛ یعنی خداوند - تبارک و تعالی - ایشان را امر کرده است که مردم را امر کنند که فلان کار را انجام دهند و غرض خداوند - تبارک و تعالی - همین بوده است که این عمل از ناحیه مردم تحقق پیدا کند.

امر به امر

- اگر غرض مولا اتیان مأمور به دوم از سوی مأمور دوم نباشد، بلکه غرض مولا این است که مأمور اول امر کند، حال چه مأمور دوم مأمور به را اتیان کند و چه اتیان نکند، در این دو صورت تکلیفی بر مأمور دوم نیست.
- با این وصف نمی‌توانیم حکم کنیم در موارد امر به امر، مأمور به دوم، بر مأمور دوم واجب شده است؛ مگر در صورتی که قرینه‌ای دلالت کند که اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم مطلوب مولا است.

امر به امر

- مرحوم آخوند نیز بحث ثبوتی و اثباتی را خلط کرده‌اند. فراز اول عبارت ایشان بحث ثبوتی است و ادامه عبارتشان که بحث امر خدا - تبارک و تعالی - به انبیاء و اولیاء را مطرح می‌کند، بحث اثباتی است.
- دوباره وقتی شقوق دیگر این امر را مطرح کردند، بحث ثبوتی می‌شود. سپس در نهایت نتیجه می‌گیرد که امر در هیچ‌یک از این‌ها ظهور ندارد و برای دلالت بر هر یک از این‌ها نیازمند قرینه هستیم که اینجا دوباره بحث، اثباتی می‌شود.

امر به امر

- «الأمر بالأمر»
- وقع البحث في دلالة الأمر بالأمر على وجوب الفعل على المأمور الثاني و عدمه.
- و الصحيح: أن يقال: هناك عدة احتمالات معقولة و متصورة:

امر به امر

مطلوب مولا اتيان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتيان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریق است، نه نفسی

مولا واقعاً اتيان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتيان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

دیدگاه مرحوم
صدر

امر به امر

مطلوب مولا اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتیان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریق است، نه نفسی

مولا واقعاً اتیان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتیان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

دیدگاه مرحوم
صدر

امر به امر

- الاحتمال الأول - أن يكون مطلوب المولى هو صدور الفعل عن المأمور الثاني و أمره للمأمور الأول ليس إلا لمجرد إيصال أمره إلى المأمور الثاني فالمجوعول التشريعي بالأمر الأول انما هو طلب الفعل من المأمور الثاني، فيكون المدلول التصديقي هو وجود أمرين أمر بالفعل على المأمور الثاني و أمر إيصال ذلك الأمر إليه على المأمور الأول.

امر به امر

مطلوب مولا اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتیان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریق است، نه نفسی

مولا واقعاً اتیان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتیان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

دیدگاه مرحوم
صدر

امر به امر

- الاحتمال الثاني - أن يكون المجعول في الأمر بالأمر هو إيجاب أن يأمر المأمور الأول المأمور الثاني لا إيجاب الفعل على المأمور الثاني، إلا أن هذا الأمر ليس نفسياً بل أمر طريقي إلى حصول الفعل من المأمور الثاني ينعقد مدلول التزامي عرفي له على طلب الفعل من المأمور الثاني.

امر به امر

- فرق احتمال اول و دوم در این است که مطلوبیت اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم در فرض اول مدلول مطابقی امر مولا است و در فرض دوم مدلول التزامی امر مولا است؛
- این مقدار تفاوت، تأثیر از جهت بحث اثباتی و استظهار ندارد؛ چون همان طور که مدلول مطابقی جزء ظواهر لفظ محسوب می‌شود، مدلول التزامی هم جزء ظواهر لفظ است.
- فقط به لحاظ منطقی و ثبوتی با هم فرق دارند.

امر به امر

- و هذان الاحتمالان و إن كانا يختلفان من حيث كيفية استفادة طلب الفعل و إيجابه على المأمور الثاني في كل منهما حيث يكون مدلولاً مطابقاً في الأول و التزامياً في الثاني
- و لكنهما يشتركان في كون الطلب من المأمور الثاني ثابتاً من حين صدور الأمر بالأمر و غير متوقف على أن يأمر المأمور الأول المأمور الثاني فلو وصله بطريق آخر لتنجز عليه لأنه وجوب ثابت من قبل المولى ابتداءً.

امر به امر

- در فرض اول اصلاً امر کردن مأمور اول از نظر مولا موضوعیتی حتی در حد مقدمیت هم ندارد؛ مثلاً معاون در دسترس نیست و هیچ راهی برای تماس گرفتن با این معاون ندارد و از این منشی به عنوان وسیله ارتباطش استفاده کرده است به گونه‌ای که اگر معاون در دسترسش بود خود مولا به معاون می‌گفت: آقای معاون گزارش هفته گذشته را بیاور.

امر به امر

- اما در فرض دوم واقعاً غرض مولا این است که منشی این کار (امر کردن) را انجام بدهد؛ هرچند این کار مطلوب نفسی مولا نیست، مطلوب مقدمی و غیری است.
- در حقیقت تحقق این کار را می‌خواهد تا کار دیگری تحقق پیدا کند؛
- مثل اینکه مولا از ما وضو را خواسته است برای اینکه نماز صحیح تحقق پیدا کند. این بدان معنا نیست که وضو خواسته نشده است، بلکه وضو هم در کنار نماز مطلوبیت دارد.

امر به امر

مطلوب مولا اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتیان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریق است، نه نفسی

مولا واقعاً اتیان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتیان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

دیدگاه مرحوم
صدر

امر به امر

- الاحتمال الثالث - نفس الاحتمال الثاني مع افتراض ان أمر المأمور الأول للمأمور الثاني له موضوعية للمولى فيكون هو المطلوب المولى و اما صدور الفعل من المأمور الثاني فلا يطلبه المولى و لا يريده لو لا أمر المأمور الأول،

امر به امر

- احتمال سوم این است که مولا واقعاً اتیان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است؛ یعنی آنچه مولا می‌خواهد این است که مأمور اول چنین امری را صادر کند؛ البته از نظر مولا بعد از آنکه مأمور اول این امر را صادر کرد، بر مأمور دوم لازم است که مأمور به دوم را اتیان کند.

امر به امر

- و بناء على هذا الاحتمال لا يثبت وجوب الفعل على المأمور الثاني إلا إذا استظهر من الأمر بالأمر إعطاء مقام الآمرية و الولاية للمأمور الأول على المأمور الثاني فيجب على المأمور الثاني حينئذ الفعل لا باعتباره أمراً من المولى الحقيقى ابتداء بل باعتباره أمراً من المأمور الأول المجعول له الولاية
- و لذلك لا يتحقق هذا الوجوب إلا بعد صدور الأمر منه حقيقة.

امر به امر

- این فرض در جایی تحقق پیدا می‌کند که مولا به مأمور اول ولایت بر امر (ریاست و آمریت) می‌دهد تا به مأمور دوم امر کند. به همین جهت وقتی مأمور اول امر کرد، اتیان عمل توسط مأمور دوم برای خود مولا نیز مطلوبیت دارد؛ چون مولا منشأ این آمریت و ریاست بوده و اطاعت مأمور اول را لازم کرده است؛

امر به امر

- مثل اینکه خداوند - تبارک و تعالی - به رسول الله - صلی الله علیه و آله - ولایت بر مکلفین داده است. بنابراین وقتی ایشان به مردم چیزی را امر کند حتی از نظر خدا - تبارک و تعالی - هم واجب است. اما وجوبش در طول امر رسول الله است؛ یعنی اول باید رسول الله امر کند، آنگاه بر مکلفین واجب می شود.

امر به امر

- ثمره احتمال سوم این می شود که اگر مأمور دوم بدون امر مأمور اول از این تکلیف اطلاع پیدا کند، تکلیف بر وی منجز نخواهد شد؛

امر به امر

- برای مثال رئیسی به معاون خودش می‌گوید که تو به فلان مدیر زبردست خود بگو که چنین کاری را انجام دهد و فرض این باشد که رئیس می‌خواهد آن خواسته بعد از امر کردن معاون تحقق پیدا کند؛ مثلاً برای اینکه موقعیت و مولویت معاون در نزد آن مدیر تثبیت شود. اما در هر حال تحقق آن فعل از مدیر هم، مطلوب این رئیس است.

امر به امر

- در اینجا اگر مدیر قبل از اینکه معاون امر کند، به مفاد امرش پی ببرد؛ مثلاً منشی رئیس به وی بگوید من در اتاق رئیس بودم و رئیس به معاون گفت که به تو دستور دهد تا چنین کاری را انجام دهی، در این فرض قبل از اینکه دستوری از ناحیه آن معاون صادر شود، تکلیفی بر عهده این مدیر نیست در حالی که در دو فرض قبلی تکلیف بود؛ چون در دو فرض قبلی در واقع غرض اصلی اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم مطلوب مولا بود و امر مأمور اول در فرض اول صرفاً طریق بود و در فرض دوم به نحو غیر و مقدماتی مطلوب بود. اما در فرض سوم امر مأمور اول موضوعیت دارد.

امر به امر

- یکی از مصادیق این بحث اوامر مولوی ای است که توسط رسول الله صلی الله علیه و آله - صادر می شود یا تشریعاتی است که ایشان انجام داده است. پیغمبر - صلی الله علیه و آله - بنا بر برخی از روایات غیر از اوامر مولوی، اوامر تشریحی هم دارند. بنا بر بعضی از روایات رکعت سوم و چهارم در نمازهای چهار رکعتی از تشریعات نبوی است. این یک حکم ولایی نیست که از پیامبر - صلی الله علیه و آله - صادر شده باشد، بلکه یک حکم شرعی الاهی است؛ هر چند که مصدر تشریح آن پیغمبر است. بنابراین اگر پیغمبر - صلی الله علیه و آله - تشریح نکرده بود، همه نمازها دو رکعتی بود.

امر به امر

مطلوب مولا اتيان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتيان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریقى است، نه نفسى

مولا واقعاً اتيان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتيان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

دیدگاه مرحوم
صدر

امر به امر

- الاحتمال الرابع - أن يكون غرض المولى في مجموع أمر المأمور الأول و فعل المأمور الثاني

امر به امر

- احتمال چهارم این است که مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتیان مأمور به دوم تعلق گرفته باشد؛ یعنی مولا مجموع بما هو مجموع را می‌خواهد به گونه‌ای که هر یک از این‌ها به تنهایی اصلاً مطلوبیتی برای وی ندارد؛ زیرا هر دو در تحقق غرض مولا نقش دارند؛
- مثل نماز که یک واجب مجموعی است و مجموعه آن افعال با شرایط و اجزایش مطلوب مولا است اگر یک تکه‌اش را انجام دهد و یک تکه‌اش را انجام ندهد، مطلوب مولا حاصل نشده است.

امر به امر

- اما بأن يكون هناك **غرض واحد متقوم بهما** و يكون أمر المأمور الأول من شرائط وجود ذلك الغرض بفعل المأمور الثاني فيكون متوقفا على أمره،
- أو بأن يكون أمره من شرائط اتصاف فعل المأمور الثاني بالغرضية فلا بد من تعدد الغرض حينئذ و افتراض وجود غرض مستقل في أمر المأمور الأول و إلا لم يكن وجه لأمره،
- و على كلا التقديرين فلا يجب الفعل على المأمور الثاني قبل أمر المأمور الأول.

امر به امر

- در اینجا اگر امر از مأمور اول صادر نشود، اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم هیچ مطلوبیتی برای مولا ندارد. پس وقتی اتیان مأمور به دوم بر مأمور دوم لازم می‌شود که مأمور اول امر کرده باشد.

امر به امر

مطلوب مولا اتيان مأمور به دوم توسط مأمور دوم

واقعاً مولا اتيان مأمور به اول توسط مأمور اول را هم می‌خواهد؛
اما از نظر مولا این امر، یک امر طریقى است، نه نفسى

مولا واقعاً اتيان مأمور به اول را از مأمور اول می‌خواهد و
مطلوبیت مأمور به دوم در طول امر مأمور اول است

مولا غرضش به مجموع امر مأمور اول و اتيان مأمور به دوم
تعلق گرفته باشد

اتيان مأمور به هیچ مطلوبیتی برای مولا ندارد و آنچه مولا
می‌خواهد امر کردن مأمور اول است.

دیدگاه نهایی

امر به امر

• بررسی یک احتمال دیگر

• احتمال پنجمی هم می‌توان داد که مرحوم آخوند - رضوان الله علیه - به آن اشاره کرده است. در این فرض اتیان مأمور به هیچ مطلوبیتی برای مولا ندارد و آنچه مولا می‌خواهد امر کردن مأمور اول است. اینکه مأمور دوم مفاد این امر را انجام می‌دهد یا نمی‌دهد، برای مولا مهم نیست. ممکن است بخواهد کسی را در یک موقعیت ریاست و امریت تثبیت کند یا امر کردن را به وی یاد بدهد. به همین جهت به او می‌گوید به فلانی بگو فلان کار را انجام دهد. اصلاً آن کار برای وی مهم نیست، بلکه مهم آن است که این فرد امر کند. اگر فرض کنیم غرض مولا صرفاً امر کردن مأمور اول بوده است و مأمور دوم هم این را می‌داند، هیچ لزوم اتیانی بر مأمور دوم نیست.

امر به امر

- پاسخ به سؤال اصلی بحث
- وقتی مولا به کسی امر کرده است که کسی را به چیزی امر کند. ظاهر این نوع امر کردن چیست؟

امر به امر

- مرحوم آخوند جواب دادند که امر در هیچ‌یک از این احتمالات ظهور ندارد. برای تعیین اینکه کدام یک از احتمالات پیش گفته مراد مولا است، نیازمند قرینه هستیم.

امر به امر

- والمستظهر من هذه الاحتمالات عرفا انما هو أحد الأولين إن لم ندع ظهوره في الأول منهما و لو باعتبار كون الأمر فعلا طريقا عادة و ليس لمصلحة فيه بالخصوص مما يجعل ظهور الأمر بالأمر ابتداء في إيجاب الفعل على المأمور الثاني.

امر به امر

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند ظاهر در موارد امر به امر، دو احتمال اول است؛ یعنی یا فقط اتیان مأمور به دوم توسط مأمور دوم مطلوب است و امر مأمور اول صرفاً طریق است یا اگر هم مطلوبیتی دارد، مطلوبیتش غیری و مقدمی است.
- در ادامه می فرمایند ظاهر احتمال اول است. البته نه مرحوم شهید صدر و نه مرحوم آخوند هیچ یک بر این ادعای اثباتی خود، استدلال نکردند.